

راه مصدق

(۴)

۱۷ آذر ۱۳۸۳ برابر با ۲ دسامبر ۲۰۰۴

آنکس که از تاریخچه مبارزات دکتر محمد مصدق و نهضت ملی ایران آگاهی داشته باشد خوب می داند که راه مصدق بجز دستیابی به **استقلال و آزادی** در ایران نبوده و نیست. در سراسر نامه ها، سخنرانی ها، مصاحبه ها و گفتگو های سیاسی کم تر موردی را می توان یافت که آن بزرگمرد بر لزوم برقراری **استقلال و آزادی** در ایران پافشاری نکرده باشد.

با کمال تأسف امروزه مبحث بسیار مهم **استقلال** در گفتمان روشنفکران، تحلیلگران و فعالان سیاسی و مبارز کم رنگ و در بسیاری موارد بیرنگ شده است. ولی روی دوم این سکه یعنی **آزادی** رنگ نابخفته. عموم مقاله ها، تعبیر و تفسیر ها و بحث ها بر سر آزادی و دموکراسی است، اما آیا بدون تأمین **استقلال** می توان به **آزادی** و دموکراسی که همه از آن سخن می گویند دست یافت؟ آیا آزادی و دموکراسی چنانچه میسر و ممکن گردد بدون **استقلال** قابل دوام خواهد بود؟ جواب با کمال تأسف منفی است. بر اساس خاطرات تاریخی و بر اساس مدارک و اسناد تاریخی باید گفت هرگاه مردم ایران به **آزادی** نزدیک شده یا حتی به فکر تأمین آن افتاده اند دخالت های پنهانی از بیرون مرزهای ایران، دست به کار خرابکاری و ایجاد فساد در جامعه زده و با ایجاد موانع بسیاری بر سر راه آزادی و دموکراسی، دیکتاتوری را استحکام بخشیده اند.

ارزش دکتر محمد مصدق و فعالیت ها و مبارزات آن بزرگمردی که او و اهدافش را چنان که باید و شاید نشناخته ایم در این بود که **استقلال و آزادی** را به عنوان دو عنصر جدائی ناپذیر از یکدیگر می شناخت و برای ساختن ایرانی آزاد و آباد بر لزوم **استقلال** بیش از هر نیاز دیگر تکیه می کرد.

در زیر به جوابی که زنده یاد دکتر محمد مصدق در سال ۱۳۴۱ یعنی ۹ سال بعد از وقوع کودتای ننگین ۲۸ مرداد به پیام فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان و برلن غربی نوشته نگاه می کنیم: (به کار بردن رنگ آبی برای تأکید از نگارنده است)

نامه دکتر محمد مصدق در جواب پیام فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی:

احمدآباد، ۱۳۴۱/۸/۸

فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی
پیام پرشور و گرم آقایان عزیز رسید و موجب سربلندی و مباهات گردید. از این که شالوده مبارزات خود را بر اساس استواری فرار داده اید خوشوقتم و یقین دارم دیر یا زود شما دانشجویان عزیز به آرزوی خود می رسید و از طول زمان برای نیل به مقصود آزاده نمی شوید. **در این کشور که قرن ها است زیر نظر دول استعماری اداره شده وقت لازم است تا بتوانید استعمار را از بین ببرید و دفع کنید.**

ترس من از این است آقایان هریک منفرداً مراجعت می کنید خواهی نخواهی در این منجلاب غرق شوید و از نیل مقصودی که دارید باز بمانید. برای کسب توفیق لازم است با نسل جوان و دانشجویانی که وطن پرستی خود را ثابت کرده اند همگام و همصدا شوید و از این اختلافی که شما در خارج و آنان در ایران تحصیل کرده اند قویاً پرهیز کنید.

مسالک مختلف نباید مانع همکاری شود چون که سرلوحه هر مسلکی **آزادی و استقلال وطن** است که تنها به دست نیامده **باید همه یکی شوید و متفقاً مبارزه کنید.**

بیش از این زاید است عرض کنم. توفیق شما را در راه **آزادی و استقلال وطن** عزیز از خدا مسألت دارم.

دکتر محمد مصدق

آیا دردناک نیست که امروز فعالان سیاسی میهنمان در بیرون و درون مرزهای ایران، پس از نیم قرن که از اوج موفقیت و دست آوردهای نهضت ملی ایران و جانبازی های رهبران آن و نیاکان آن ها در آن دوران طلائی می گذرد سخنی از **استقلال وطن** به میان نمی آورند؟

مصدق در نامه خود نوشته بود:

مسالک مختلف نباید مانع همکاری شود چون که سرلوحه هر مسلکی **آزادی و استقلال وطن** است که تنها به دست نیامده **باید همه یکی شوید و متفقاً مبارزه کنید.**

آیا دردناک نیست که امروزه «مسالک مختلف» به سرلوحه مشترک نیم قرن پیش حتا نیم نگاهی هم نمی کنند و **استقلال** را از دستور کار خویش خارج ساخته اند؟.

چگونه می توان به سران اپوزیسیونی که در کمر بستن به خدمت بیگانه با یکدیگر مسابقه می گذارند و کم ترین ارزشی برای **یکی شدن زیر سرلوحه استقلال و آزادی وطن** قائل نیستند دل بست؟. مردم ایران، جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان و پرستاران که در سخت ترین شرایط زندگی و مبارزه بر علیه استعمار و استبداد در درون ایران ایستاده و از سران اپوزیسیون دل بریده اند، راهکار مبارزه را جدا از کردار مدعیان رهبری و روشنفکری یافته اند. آن ها **سرلوحه** مبارزه را با هر مسلکی که دارند بر خلاف سران اپوزیسیون پیش رو گذاشته اند. سپاس بی کران بر آنان باد.

محمد حسینی